

تشکل طبقاتی و توده‌ای به نیروی خود کارگران!

جلال محمد نژاد

گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری ضرورت ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگران را در جامعه کارگری ایران و افکار عمومی تثبیت کرده است. بحث‌های مربوط به ایجاد تشکل کارگری در بین فعالین و پیشروان کارگری امری پذیرفته شده و غیرقابل برگشت است. صدها نمونه از اعتراض و اعتصاب کارگری، به میدان آمدن تعداد زیادی از رهبران و فعالین کارگری و حمایت و پشتیبانی‌های بین‌المللی، تناسب قوا و زمینه‌های مساعدتری را برای پیشبرد اقدامات عملی در راستای برپا کردن تشکلات مستقل کارگری ایجاد کرده است و این سوال را که تشکل مستقل کارگری از کدام مسیر عملی و اجتماعی می‌گذرد، به امری مبرم‌تر تبدیل کرده است.

مشارکت گسترده کارگران

در جامعه‌ای که کارگران از هرگونه حق تشکل، اعتصاب و ابراز وجود سیاسی اجتماعی محروم گشته‌اند و در این فضای خفقان و دیکتاتوری که هرگونه مبارزه کارگری با سرکوب و زندان و خشونت پلیسی مواجه می‌شود کارگران چاره‌ای ندارند غیر از اینکه به نیروی مبارزه و تلاش مستقیم خود برای تحقق مطالبات خویش متوسل شوند و موفقیت عملی در این زمینه جز با ایجاد تشکل مستقل کارگران که راهنما و حافظ منافع عمومی آنها باشد، امکان پذیر نیست. اتحاد و همبستگی عمومی کارگران پشتوانه اصلی در موفقیت آنها در پیشبرد مبارزه و تحقق دستاوردهایشان است. پذیرفته شدن امر مهم و حیاتی متشکل شدن و اقدام عملی برای ایجاد آن از جانب توده گسترده کارگران در کارخانجات و صنایع بزرگ و کلیدی ضرورتی انکارناپذیر است. به این اعتبار می‌بایست تعداد هرچه بیشتری از کارگران در پروسه برپا کردن تشکل مستقل خویش دخیل بوده و سنگ بنای این تشکل توسط خود کارگران بنا شود. تنها در صورتی امکان ادامه کاری تشکل سراسری کارگران و تحمیل آن در این شرایط به رژیم سرمایه‌داران وجود دارد که بر نیروی مادی و مبارزه مستقیم خود کارگران متکی باشد. متشکل شدن کارگران چه در سطح کارخانه و رشته‌های تولیدی و چه در سطح سراسری به نیروی خود کارگران امکان پذیر است. اگر صحبت بر سر اینست که تشکلات طبقاتی و توده‌ای کارگران در ابعاد سراسری ایجاد شود که اراده جمعی میلیون‌ها عضو طبقه کارگر را نمایندگی نماید، لذا ضروری است که تلاش برای ایجاد تشکل مستقل کارگری حتما مشارکت گسترده کارگران و فعالین کارگری در سطح صنایع بزرگ و کلیدی را شامل شود. ارتباط بین فعالین و پیشروان کارگری در صنایع بزرگ و مراکز کلیدی تولیدی برای هماهنگ نمودن و سراسری کردن مبارزات کارگری و در

امر ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری امری بسیار مهم و پایه و اساس پیشروی در این زمینه است. اتحاد و تشکل رمز موفقیت کارگران در پیشبرد مبارزه برای تحقق مطالباتشان است و تشکل کارگری نیز چه در سطح کارخانه، چه در سطح رشته‌ها و صنایع تولیدی و چه در سطح سراسری در میدان مبارزه عملی و به اتکاء دخالت مستقیم کارگران ایجاد خواهد شد. تعداد هرچه وسیعتری از کارگران شاغل و بیکار در رشته‌های مختلف تولیدی لازم است به عضویت تشکل‌های مورد نظر در آمده و برای تثبیت و ادامه کاری تشکل مستقل و طبقاتی خویش تلاش نمایند به این اعتبار تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری نمی‌تواند به تنهایی امر تعداد محدودی موسسین باشد و لازم است مشارکت وسیع‌تر آحاد کارگری و فعالین و پیشروان کارگری را دربرگیرد.

مبارزه و اعتصاب بخش‌های مختلف جنبش کارگری و بویژه تجربه تشکیل و ادامه کاری سندیکای کارگران شرکت واحد بر درستی همین موضوع تاکید دارد که زمانی که در تشکیل یک تشکل توده‌ای کارگری تعداد گسترده‌ای از خود کارگران و فعالین کارگری شرکت دارند امکان تحمیل آن به رژیم و ادامه کاری آن نیز تضمین خواهد شد. کارگران شرکت واحد با مبارزه جسورانه خود ادامه کاری سندیکایشان را تضمین کرده و بر رژیم تحمیل کرده‌اند. و نشان دادند که تنها از طریق مشارکت و مبارزه جمعی کارگران است که می‌توان تشکل طبقاتی و مستقل کارگران را به رژیم تحمیل نمود.

روشن است که نقش فعالین و پیشروان کارگری امری حیاتی و سرنوشت ساز است. برای ایجاد تشکل کارگری این پیشروان و رهبران کارگری هستند که کارگران را به مشارکت و دخالت فعال تشویق کرده و چشم انداز و افق پیروزی آنرا ترسیم خواهند کرد. کار روشنگری سیاسی و ایجاد آمادگی و زمینه‌های ذهنی مناسب برای ایجاد تشکل مستقل کارگری وظیفه‌ای است که اساسا بردوش پیشروان و فعالین جنبش کارگری و بویژه فعالین سوسیالیست قرار دارد. بدون به میدان آمدن رهبران و فعالین پیشرو کارگری صحبتی از پیشرفت و موفقیت در این زمینه نمی‌تواند در میان باشد. بر این اساس ارتباط، همکاری و هماهنگی بین پیشروان کارگری در بخش‌های مختلف جنبش کارگری بویژه در صنایع بزرگ و کلیدی امری کاملاً ضروری و حیاتی است.

نقش جریان رادیکال

کارگران ایران در طول حیات رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی هیچگاه از طریق مظاهرات و تمناکردن و درخواست نمودن از دولت و نهادهای وابسته موفقیت در تحقق خواست‌ها و مطالبات خود بدست نیاورده‌اند و هرگونه پیشروی جنبش کارگری در همه زمینه‌ها متکی بر مبارزه مستقیم و تلاش و جانفشانی‌های گسترده خود کارگران بوده است. تلاش رژیم برای قالب کردن خانه کارگر و شوراهای

اسلامی به عنوان نماینده مستقیم کارگران هیچگاه موفقیت پیدا نکرده است. اکثر مبارزات کارگران علیه قانون کار ارتجاعی، برای کسب دستمزدهای معوقه، علیه اخراج کارگران و غیره شکل سیاسی پیدا کرده و مورد سرکوب شدید نیروهای سرکوبگر رژیم قرار گرفته است. آخرین نمونه تجربه مبارزات کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی نیز همین را بار دیگر نشان داد و رژیم جمهوری اسلامی اوج توحش و بربریت را در برخورد به اعتصاب کارگران شرکت واحد نشان داده و تعداد وسیعی از آنها را به زندان کشانده و مورد اذیت و آزار قرار داد. این واقعیتی است که در جریان مبارزه عملی به کرات اثبات شده است. علیرغم همه این تجربه و پشتوانه تاریخی هنوز بخش از گرایش رفرمیست در داخل جنبش کارگری حاضر نیست بپذیرد که درخواست برسمیت شناختن تشکل مستقل کارگران از روسای جمهوری خاتمی و احمدی نژاد، از خانه کارگر و دیگر ارگان‌های دولت یک استراتژی کاملاً سازشکارانه و انحرافی و تلاش بی‌ثمری است که در نظر دارد اعتراض و مبارزه کارگران را در چهارچوب قانون اساسی رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی محدود نماید.

تجارب عملی مبارزات و اعتراضات کارگری نشان داده است که جریان رادیکال که استراتژی خود را بر مشارکت و دخالت گسترده کارگران و اتکاء به نیروی مبارزه و عمل مستقیم آنان و اتخاذ جهت گیری سوسیالیستی و ایجاد تشکل طبقاتی و مستقل کارگران از دولت و سرمایه داران قرار داده است از زمینه مادی و اجتماعی واقعی برای پیشرفت در زمینه مهم نیز برخوردار است. هژمونی پیدا کردن استراتژی مستقل و رادیکال برای ایجاد تشکل توده‌ای کارگران امری است که بیش از هرچیز پیشروی ما فعالین پیشرو و سوسیالیست در درون جنبش کارگری قرار دارد. ایجاد شبکه گسترده ارتباطی و هماهنگی در بین فعالین جنبش کارگری در صنایع کلیدی و عرصه‌های بزرگ و کوچک اقتصادی و تلاش روشنگرانه برای ترسیم چشم انداز و افق رادیکال در پیشروی جنبش ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری بر متن مبارزه و اعتراض مستقیم کارگران وظیفه مهمی است که در آستانه اول ماه مه برجستگی بیشتری پیدا خواهد کرد. تلاش برای توافق بر سر اتخاذ استراتژی رادیکال و مستقل در امر ایجاد تشکل توده‌ای و طبقاتی کارگران ضروری است در دستور کار همه ما فعالین پیشرو و نهادهای کارگری قرار گیرد که خود را متعلق به گرایش چپ درون جنبش کارگری دانسته و نقطه عزیمت خود را نه الزاماً مرزبندی‌های فکری و ایدئولوژیکی، بلکه اتحاد طبقاتی و سراسری کارگران و تامین منافع عموم و استراتژیک آنان قرار داده‌اند.

روز اول ماه مه، کارگران جهان برای نشان دادن اتحاد و همبستگی جهانی و اعلام اعتراض انترناسیونالیستی خود علیه نظام سرمایه داری رژه خواهند رفت. بگذار ما کارگران ایران ضمن شرکت در این مارش جهانی، شعار «تشکل مستقل کارگری به نیروی خود کارگران» را در ابعاد هرچه

گسترده تری در جامعه کارگری ایران طرح نموده و به گوش جهانیان برسانیم و از کارگران جهان درخواست کنیم که همچون اعتراض جهانی علیه رژیم جمهوری اسلامی در ۱۵ فوریه صدای حمایت و همبستگی خود را با کارگران ایران رساتر نمایند.

تلاش مشترک نهادها و فعالین پیشرو جنبش کارگری برای برگزاری هرچه باشکوهتر اول ماه مه در سطح سراسری و طرح خواست تشکل مستقل کارگری و سایر مطالبات کارگران در ابعاد وسیع اجتماعی قطعاً قدم مثبت رو به جلو خواهد بود.

برگرفته از جهان امروز شماره ۱۷۰